از هراره تا تهران - ۱۸

شکستن شبکهٔ سلطه با مصلحت‌اندیشی‌های متداول امکان‌پذیر نیست

***آیت الله خامنه‌ای: جنبش عدم تعهد باید در دفاع از حقوق ملت‌های جهان سوم و در شکستن شبکهٔ‌سلطه، الگوی شجاعت و قاطعیت باشد و این با مصلحت‌اندیشی‌های متداول امکان‌پذیر نیست.**

حضرت امام، قبل از شروع اجلاس قبلی سران عدم‌تعهد، دربارهٔ کشورهای غیرمتعهد مفصل صحبت کرده بودند. هشت روز مانده به پایان سال ۱۳۶۱، که مهم‌ترین خبرهای دنیا دربارهٔ اجلاس هفتم جنبش غیرمتعهد بود، امام در حسینیهٔ جماران، در دیدار جمعی از بانــوان، صحبــت را از خیانت‌های فرهنگی رژیم پهلوی و تلاش آنها برای به تباهی کشاندن زنان و جوانان آغاز کردند و بعد، به کارهای ارزشی زنان پس از انقلاب رسیدند. در میانهٔ صحبت‌ها، موضوع، کاملاً عوض شــد، گویا حضرت امام منتظر فرصتی بودند برای بیان این مسئله:

«و اما یک کلمه هم راجع به مسائلی که در این اوقات پیش آمده است، عرض کنم.

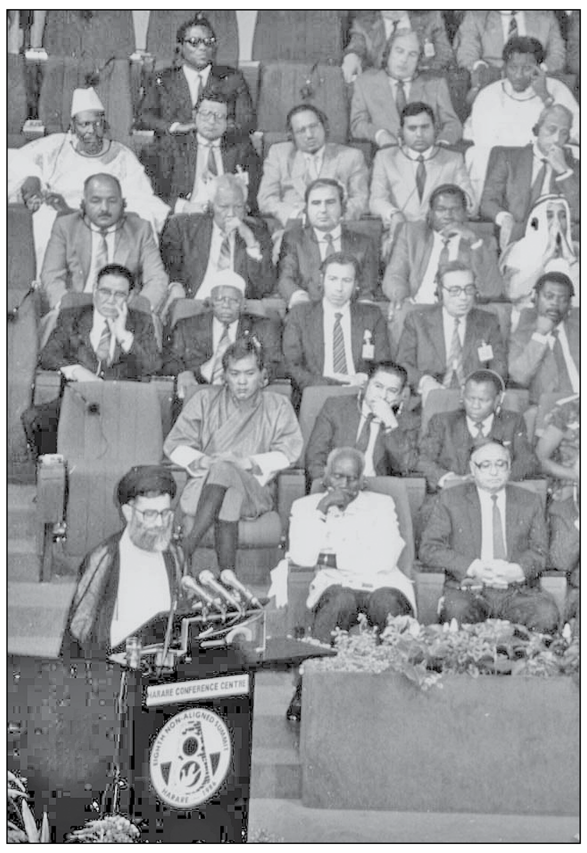

یکی از مسائل، این کنفرانس سرانِ به‌اصطلاح غیرمتعهدهاست. این کنفرانسی که سران اول، در سابق تأسیس کردند، افراد بسیار متعهدی به اسلام و به کشورهای خودشان بودند، و غیرمتعهد نسبت به قدرت‌های بزرگ. لکن امروز مخلوط شده است از یک جنس‌های مختلف، بسیاری‌شــان آنها هستند که غیرمتعهدند و بعضی از آنها، آنها هستند که اگر اینها غیرمتعهد باشــند، ما متعهد نباید داشته باشیم! اگر بنا باشد که «حسین اردنی» و «حسن مراکشی» و «حُسنی‌مبارک» و امثال اینها غیرمتعهدند، همه غیرمتعهدند، پس نباید بگویند که یک دسته متعهد، یک دسته غیرمتعهد.

و از کارهایــی که باید این کنفرانسِ غیرمتعهدیــن انجام بدهند که در رأس همه کارهاست و باید بعدها هم این مطلب را اَنجام بدهند، این است که اول متعهد و غیرمتعهد را از هــم جدا کنند. هرکس ادعا کرد که من غیرمتعهدم، در بین خودشــان راه ندهند. چه‌بسا افرادی که وابستگی آنها و غلام حلقه به‌گوش بودن آنها نسبت به شرق و نسبت به غرب، از آن متعهدینی که هستند، زیادتر است، و اگر وارد اینها باشند و نفوذ در اینها بکنند، راه را منحرف می‌کنند و دیگران را منحرف می‌کنند.

باید اول این کشورهای غیرمتعهد، این کشورهایی که می‌خواهند مستقل باشند، این کشورهایی که خودشان را غیرمتعهد می‌خواهند، تصفیه بکنند، اول تصفیه کنند این مجلس خودشان را، این کنفرانس خودشان را، این جنبش خودشان را، تصفیه کنند از عناصری که اینها به اسم غیرمتعهد وارد می‌شوند و می‌خواهند خدمت کنند یا به آمریکا ـ‌که اکثراً این‌طورند‌ـ یا به شوروی، که آن‌هم بسیارند. اگر اینها در بین شما باشند، نمی‌گذارند که شما غیرمتعهد بمانید، نمی‌گذارند که شما برای کشورهای ضعیف کار بکنید، نمی‌گذارند که شما وابستگی‌های خودتان را از کشورها جدا کنید. اینها در شعار از شما پیش هستند.

شما ببینید که در این کنفرانسی که اخیراً، همین چند روز تأسیس شد و پایان یافت، یکی از کسانی که طرفداری کرد، آمریکا بود. آمریکایی که همهٔ عالم را می‌خواهد تحت قدرت خــودش بیاورد. اگر چنانچه او از این کنفرانس می‌ترســید، و گمان می‌کرد که ایــن کنفرانس ضــدّ او قیام خواهند کرد، هیچ‌وقت از او تعریف نمی‌کرد، از اینها تعریف نمی‌کردند، لکن آنها از این کنفرانس تجلیل کردند. برای اینکه دلبستگی آنها به افرادی اســت که وارد این کنفرانس شده‌اند، مثل حسین اردنی و حُسنی و امثال اینها و صدام. اینها وارد شدند، به اسم اینکه ما غیرمتعهد هستیم، و این غیرمتعهدها می‌خواهند همهٔ شما را مثل خودشان غیرمتعهد بکنند!

*** عقب‌ماندگی علمی و فرهنگی و صنعتی ظاهر قضیه است و روح آن متأثر از نظام اختاپوسی سلطه است. غیرمتعهدها می‌تواند و باید با تصویب و اجرای دسته‌جمعی برنامه‌های ویژه، به مقابلهٔ جدی با خطر تسلیم جهان سوم در قبال قدرت‌های اقتصادی برخیزد.**

اگر شــما بخواهید که واقعاً یک جمعیت غیرمتعهد، یک ســران غیرمتعهد باشید و بتوانیــد به آن عدم‌تعهد خودتان عمل بکنید، در رأس امور تصفیه اســت. اگر یک نفر فاســد در بین شــما باشد، نمی‌گذارد کار شما انجام بگیرد. باید اول امثال اینها را، صدام را، حسین را، حُسنی را، حسن را و امثال اینها را از بین خودتان طرد کنید تا بتوانید یک کنفرانس صحیح تشــکیل بدهید و یک جنبش غیرمتعهد باشد. والّا هر چند سال یک دفعه، شما اجتماع می‌کنید با آن‌همه زحمت، با آن‌همه خرج، با آن‌همه گرفتاری، بیش از یک مســائلی که طرح می‌شــود و گفته می‌شود و بعدش هم عمل نمی‌شود، بیش از این کاری انجام نمی‌دهید. و این برای این است که بین شما اینهایی که نفوذ کرده‌اند، نمی‌گذارند که کارها انجام بگیرد.

باید در رأس امور این باشد که اینها کنار بروند و خودتان بنشینید، همان‌طورکه ایران دستش را پیش هیچ‌کس دراز نمی‌کند و نکرده است در این چند سال و مستقل ایستاده است و زن و مردش ایستاده است درمقابلِ آمریکا و درمقابلِ شوروی و درمقابلِ هر متعدّی. اینها غیرمتعهدند واقعاً، نه تعهد فرهنگی دارند، نه تعهد نظامی دارند، نه تعهدهای دیگری دارند، اما اگر یک جایی باشد که بگویند که ما تعهد نظامی نداریم، اما تعهد فرهنگی داشته باشــند، تعهد فرهنگی بدتر از تعهد نظامی است، وابستگی است نه تعهد. اگر بخواهید که متعهد نباشید، باید اساس را عوض بکنید، نه تعهد از یک راه نظامی فقط. باید شما غیرمتعهد و غیروابســته باشید، در صنعت، در فرهنگ، در همهٔ اموری که یک کشوری احتیاج به آن دارد: اگر این‌طور شد، غیرمتعهد می‌شوید و می‌توانید سرپای خودتان بایستید.»

ادامه سخنرانی آیت الله خامنه‌ای در اجلاس هراره: **دومین اقدام لازم، زنده کردن روحیهٔ احساس مسئولیت در قبال مسائل جهانی، در کلیهٔ اعضا است. جنبش باید پرچم‌دار عدل و مقابله با سلطه در جهان باشد. اگر قدرت جلوگیری مستقیم از هجوم و تجاوز علیه ملت‌ها وجود ندارد، باید فریاد علیه متجاوز و ظالم و دفاع از حق و از قربانیان ظلم و ســلطه وجود داشته باشد. این مایهٔ حقارت است که در این ربعِ قرن، به کشورهای مختلف، به‌خصوص دولت‌هایی که محصول انقلاب و حرکت‌های وسیع مردمی بوده‌اند و آزادی و عدم‌تعهد را با جانفشانی به‌دست آورده‌اند، این‌همه تجاوز و خیانت بشود، و جنبش از خود حرکتی شایسته نداشته باشد. وجود چنان روحیه و احساسی، می‌تواند برای اعضای جنبش به‌عنوان یک ارزش و ملاکِ تقدّم محسوب شود. به‌راســتی چرا بین کشورهایی که با انقلابی مردمی و خونین، طی سال‌های متمادی موفق شده‌اند طاغوت را براندازند و سلطهٔ ابرقدرت‌ها را در هم بشکنند و به صف غیرمتعهدها بپیوندند؛ و کشورهایی که اگر نگوییم حافظ منافع قدرت‌ها در جنبش هستند، حتماً وجودشان تشریفاتی است، نباید تفاوتی قائل شد؟ جنبش باید در دفاع از حقوق ملت‌های جهان سوم و در شکســتن شبکهٔ سلطه، الگوی شــجاعت و قاطعیت باشد و این با مصلحت‌اندیشی‌های متداول امکان‌پذیر نیست.**

سومین موضوع اساسی، گسترش حوزهٔ فعالیت غیرمتعهدهاست. از آنجا که فعالیت نظام سلطه، تنها در بُعد سیاسی نیست، بلکه توانسته است منطق فرهنگی خاص خود و شبکهٔ اقتصادی و تبلیغاتی وابسته به خود را نیز به‌وجود آورد، دفاع درمقابلِ آن نیز باید همه‌جانبه باشد. به نظر ما، گوهر انسانی بشر است که محور اصلی است و لذا کارهایی که بُعد فرهنگی دارد، باید زمینهٔ وسیعی را به خود اختصاص دهد. از سوی دیگر، افزایش بصیرت و آگاهی سیاسی ملت‌ها، سدّ محکمی درمقابلِ سیل بنیان‌کن فرهنگ سلطه ـ که هموارکنندهٔ راه نفوذ نظامی، سیاسی و اقتصادی و برقرارنگه‌دارندهٔ شبکهٔ سلطه است ـ خواهد بود.

اقتصاد جهان سوم، زیر نظام سلطه، به وضع طفیلیِ کنونیِ افتاده و از این طریق، دولت‌های جهان سوم، یکی پس از دیگری مجبورِ شده‌اند به سلطهٔ سیاسی، در قبال تسهیلات موقت اقتصادی تن بدهند. این در حالی است که جهان سوم از ثروت‌های خدادادی فراوانی برخوردار است. مواد اولیه، منابع انرژی و ذخایر طبیعی، به‌رایگان در اختیار قدرت‌های اقتصادی جهان گذاشته می‌شود، چرا؟ عقب‌ماندگی علمی و فرهنگی و صنعتی ظاهر قضیه است و روح آن متأثر از نظام اختاپوسی سلطه است. غیرمتعهدها می‌تواند و باید با تصویب و اجرای دسته‌جمعی برنامه‌های ویژه، به مقابلهٔ جدی با خطر تسلیم جهان سوم در قبال قدرت‌های اقتصادی برخیزد. برای استقرار روابط منطقی و عادلانه بین کشورهای توسعه‌یافته و جهان سوم، جنبش باید وظیفهٔ اصولی خود را با تسهیل همیاری بین اعضا ایفا کند.

مطلب چهارم تدوین معیارها و ضوابط عملی برمبنای اصول جنبش، برای برخورد اصولی با حوادث و مسائل بین‌المللی است. این مسائل بسیار متعدد و متنوع است و جنبش نمی‌تواند در هر موضوع، به‌نحو منفرد، اقدام به بررسی کند. گذشته از عدم امکان عملی، خطر دوگانگی قضاوت در مورد مسائل مشابه به‌وجود می‌آید که متأسفانه مثال‌های متعددی از آن در دست است. مسئلهٔ تجاوز، مسئلهٔ روابط اقتصادی حاکم و مجموعهٔ حقوق بین‌المللی، از زمینه‌های بسیار حساس و ضروری فعلی هستند. همچنین همکاری‌های منطقه‌ای در چهارچوب غیرمتعهدها و ایجاد هسته‌های منطقه‌ای برای مقابله با تهاجمات دو بلوک و کمک به پیشرفت و توسعهٔ کشورها و دفع نقیصهٔ نیروی اجرایی جنبش از اولویت برخوردار است.

*** آیت الله خامنه‌ای: اقتصاد جهان سوم، زیر نظام سلطه، به وضع طفیلیِ کنونیِ افتاده و از این طریق، دولت‌های جهان سوم، یکی پس از دیگری مجبور شده‌اند به سلطهٔ سیاسی، در قبال تسهیلات موقت اقتصادی تن بدهند.**

ردّ خون - ۵

تشکیل سازمان تروریستی ـ اطلاعاتی پیش از اشغال فلسطین توسط صهیونیست‌ها

«هاشومر از تعقیب مقامات ترک جان سالم بدر برد؛ ولی نتوانست از عواقب جاسوسی آن، که کوتاه شدن عمر فعالیت و انحلال آن بود، رهایی یابد. پس از سقوط فلسطین به دست نیروهای بریتانیایی، مشخص شد که تعدادی از رهبران هاشومر عملا در یک شبکه جاسوسی کار می‌کردند؛

گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی‌صهیونیستی پیش از تشکیل اسرائیل

مهم‌تریــن گروه‌هــا و ســازمان‌های تروریســتی صهیونیســتی که از اوایل قرن بیستم توسط جنبش صهیونیسم شکل گرفت، و در فلسطین دست به عملیــات تروریســتی زدند، عبارت‌اند از:

سازمان هاشومِر

ایــن واژه در زبان عبری به معنــای «نگهبــان و محافظ» می‌باشد. این گروه از ابتدایی‌ترین و مهم‌ترین سازمان‌های تروریستی صهیونیستی، پیش از بنیادگذاری رژیم صهیونیســتی اســت؛ که فعالیت آن دفاع و پاســداری از مســتعمره‌های یهودی‌نشین در فلســطین بود. عاموس پرلمتر در کتاب نظامی‌گری و سیاست در اسرائیل می‌نویسد:

«اولین واحدهای دفاع یهودی در آوارگی، در اواخر قرن نوزدهم، در اروپای شــرقی تشکیل شد. در سال ۱۹۰۵.م، حزب پوعالی صهیــون که پیــش از جنبش سوسیالیســتی صهیونیســتی تشــکیل شــده بود، بر تشکیل دسته‌های پاسداران در فلسطین نظارت داشت. در سال ۱۹۰۹.م، جای آن‌ها را دسته‌های پاسداری مشهور هاشومر گرفت.

در ابتــدای امــر، هاشــومر مجموعــه همبســته‌ای از صهیونیست‌ها را در بر نمی‌گرفت؛ بلکه ترکیبی از صهیونیست‌های شرق اروپا و اوکراینی و قفقازی در آن فعــال بودنــد. ســپس، یهودیان مارکسیســت روسی به آن پیوستند، و روح نظامی‌گری را در آن ایجاد کردند.»

لئونارد مُزلی می‌نویسد:

«این مهاجران صهیونیست در ســال ۱۹۰۷.م یک سازمان نظامی به نام بارگیورا (جمعیت سری یهودی) تشــکیل دادند. مأموریت جمــع‌آوری اطلاعات سری، از جمله مأموریت‌هایی بود که برعهده این سازمان گذاشته شد. سپس ســازماندهی آن پس از دو سال تجدید شد و نام آن به هاشومر یا پاسدار (نگهبان) تغییر یافت.»

مهاجران یهــودی که بارگیورا را تشــکیل دادند، عبــارت بودند از: اســحاق بن تزوی، الکســاندر زید و اسرائیل شــوحط. هر چند سازمان هاشــومر در ابتدا با هدف حراست و نگهبانی از مستعمره‌های یهودی‌نشــین به وجــود آمد؛ اما بعدها به یک ســازمان تروریستی و توطئه‌گر - پرلمتر نیز این عنوان را به کار برده اســت - و نظامی و جاسوسی تبدیل شد. هاشومر در بیشتر سازمان‌های سوسیالیستی صهیونیســتی نفوذ کــرد، و علیه فلسطینی‌ها به فعالیت تروریستی پرداخت.

هاشــومر عــلاوه بــر فعالیت پاسداری و حراست از مستعمره‌های صهیونیستی در فلسطین، تعدادی مستعمره یهودی‌نشین احداث کرد، تا یهودیان مهاجر اروپای شرقی در این مستعمره‌ها اسکان دهد.

اولین مستعمره‌ای که هاشومر آن را احداث کرد، مستعمره مرجابیا در دره بیســان بود. پس از آن دو مســتعمره دیگر نیز احداث کرد. یکی به نام تل حدشیم دره بیسان؛ و دیگری به نــام کفر جلعادی در روستای مطله در منطقه الجلیل.

در ابتــدای جنگ جهانی اول، هاشومر تحت تعقیب ترک‌ها قرار گرفت. به ویژه پس از دســتگیری لیسانســکی، یکی از اعضای گروه جاسوسی صهیونیستی موسوم به نیلی، اسرار سازمانی و تشکیلاتی هاشومر کشف شد. این امر منجر به دستگیری ۱۲ تن از اعضای این سازمان شد.

با این وجود ترک‌ها نتوانستند اطلاعات کاملی را از فعالیت اعضای این ســازمان در شبکه جاسوسی صهیونیستی به دســت آورند. به همین لحاظ:

«هاشــومر از تعقیب مقامات ترک جان ســالم بدر بــرد؛ ولی نتوانســت از عواقب جاسوسی آن، که کوتاه شــدن عمــر فعالیت و انحلال آن بود، رهایی یابد. پس از سقوط فلسطین به دست نیروهای بریتانیایی، مشخص شد که تعدادی از رهبران هاشــومر عملاً در یک شبکه جاسوسی کار می‌کردند؛ و به صورت حلقه اتصال بین آن و کمیته سیاسی ییشــوف یهودی فعالیت می‌کردند. یکــی از مأموریت‌های آن‌ها، انتقال مبالغ مالی زیادی به کمیته مزبور بود. هر چند بعدها معلوم شد که بعضی از کمک‌های مالی دریافتــی هرگز به کمیته نرسید، و در جیب‌های تعدادی از مسئولان هاشومر جای گرفت.»

در طــی دوران قیمومیــت انگلیس بر فلســطین، هاشومر فعالیت‌های تروریستی و نظامی خودش را بر ضد فلسطینی‌ها و انگلیسی‌ها شدت بخشید.

در ابتدای دهه ۲۰، هنگامی که صهیونیست‌ها برای تأسیس یک نیــروی نظامی و جنگجوی بزرگ واحد احساس نیاز کردند، هاشومر راه‌حل پیشنهادی خود را مبنی بر تشکیل سازمان هاگانا ارایه کرد، و به تأسیس این نیرو مبــادرت ورزید. امــا تعدادی از اعضای هاشومر پیشنهاد پیوستن به هاگانا را رد کردند، و یک گروه جنگی کوچک به نام گردان‌های پیکار تشکیل دادند. این گروه تا انقلاب ۱۹۲۹.م فلسطینی‌ها به همین شــکل باقی بود، اما پس از آن، از روی ناچــاری به هاگانا پیوستند.

اســحاق بن تــزوی یکی از مسئولان سازمان هاشومر بعدها رئیس‌جمهور اســرائیل شــد؛ و بنگورین (اولین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی)، در میان طرفداران سرشناس آن قرار داشت.

*** سازمان هاشومِر از ابتدایی‌ترین و مهم‌ترین سازمان‌های تروریستی ـ صهیونیستی، پیش از بنیادگذاری رژیم صهیونیستی است؛ که فعالیت آن دفاع و پاسداری از مستعمره‌های یهودی‌نشین در فلسطین بود.**

***

*** لئونارد مُزلی می‌نویسد: «این مهاجران صهیونیست در سال ۱۹۰۷.م یک سازمان نظامی به نام بارگیورا (جمعیت سری یهودی) تشکیل دادند. مأموریت جمع‌آوری اطلاعات سری، از جمله مأموریت‌هایی بود که بر عهده این سازمان گذاشته شد. سپس سازماندهی آن پس از دو سال تجدید شد و نام آن به هاشومر یا پاسدار (نگهبان) تغییر یافت.»**

صفحه پاورقی
روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود
تلفن: ۳۵۲۰۲۱۱۳ Research@kayhan.ir

رونوشت آگهی حصر وراثت

نظــر بــه اینکه آقــای ســیدایمان کهکــی دارای شناســنامه شــماره ۰۷۸۰۵۶۰۲۴۸ به شــرح دادخواســت به کلاســه ۹۶/۲۷۹ از ایــن شــورا درخواســت گواهی حصــر وراثت نمــوده و چنین توضیــح داده که شــادروان طاهــره دارینــی بــه شناســنامه ۸۲۷ در تاریــخ ۱۳۹۶/۳/۲ در اقامتگاه دائمی خــود بدرود زندگــی گفته و ورثه حین‌الفــوت آن مرحوم منحصر اســت به: ۱- ســیدایمان کهکی، فرزند ســیدمحمود، بــه ش‌ش ۰۷۸۰۵۶۰۲۴۸، متولــد ۱۳۷۳. ۲- الهــام ســادات کهکــی، فرزنــد ســیدمحمود، ش‌ش ۰۷۸۰۶۹۲۲۶۸، متولــد ۱۳۷۵. ۳- ســیدپیمان کهکی فرزند ســیدمحمود به ش‌ش ۰۷۸۱۰۸۹۵۳۰، متولد ۱۳۸۲. همگــی فرزندان مرحوم غیر از نامبردگان فوق ورثه دیگری ندارد. اینک با انجام تشــریفات مقدماتی درخواست مزبور را به استناد ماده ۳۶۲ ق امور حســبی یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کســی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد.

رئیس شورا- شعبه ۱۲ شورای حل اختلاف شهرستان سبزوار

برگ ســبز و کارت مشــخصات خودرو ســواری پژو ۴۰۵GLXXU7 بــه شــماره پــلاک ۹۱۵ ل ۳۷ - ایــران ۸۸ به رنگ نقــره‌ای - متالیک مدل ۱۳۹۳ و شــماره موتور ۱۲۴k۰۳۹۶۰۴۳ و شــماره شاســی NAAM۰۱CA۷EH۴۷۷۹۸۱ مفقود شــده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

دادنامه

پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۲۸۳۸۱۰۰۰۲۶ شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی دادگستری شهرستان آوج تصمیم نهایی شماره ۹۶۰۹۹۷۲۸۳۸۱۰۰۱۳۸

خواهان: بانک توســعه تعاون با وکالت آقای علی کشــاورز قدیمی فرزند حســین به نشانی الوند- خیابان سهروردی، مقابل دانشگاه کار- جنب دادگستری البرز

خوانــدگان: ۱- خانم مهری محرابی فرزند نوروزعلی ۲- آقای شــعبان ســلطانی فرزند علی همگی به نشــانی آوج- خ آزادی- کوچه دانش- پلاک ۲۷. ۳- آقای قربانعلی سعادتی فرزند کریم به نشــانی تهران- شماره ۲ خلیج- شهرک ســینا- کوچه غلام‌نژاد- پ ۵۸- واحد ۱. ۴- شــرکت تعاونی صنعت چوب کاج آوج با مدیریت آقای شــعبان ســلطانی و خانم مهری محرابی به نشانی آوج- شهرک صنعتی فاز سلولزی- بلوک غربی- شرکت صنعت چوب کاج ســبز آوج. ۵- آقای سعید بلوری اردبیلی فرزند محمد به نشانی تهران- خ هوانیروز- مجتمع امیرکبیر- بلوک d- واحد ۱. ۶- آقای اسماعیل عیسی‌خانی فرزند حسین به نشانی تهران- شهرک راه‌آهن- بلوک اقاقیا- پلاک ۱۰۶

خواســته‌ها: ۱- مطالبه خسارات دادرسی ۲- مطالبه حق‌الوکاله به درخواست وکیل ۳-مطالبه وجه سفته ۴- مطالبه خسارت تاخیر تادیه

گردش کار: خواهان بانک توســعه تعاون با وکالت آقای علی کشــاورز قدیمی دادخواستی به طرفیت خواندگان ۱- شــرکت تعاونی صنعت چوب کاج آوج با مدیریت آقای شعبان سلطانی و خانم مهری محرابی ۲- شــعبان ســلطانی فرزند علی ۳- مهری محرابی فرزند نوروزعلی ۴- ســعید بلوری اردبیلی فرزند محمد ۵- اسماعیل عیســی‌خانی فرزند حسین ۶- قربانعلی ســعادتی فرزند کریم به خواسته مطالبه ۴/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال وجه شش فقره سفته و مبلغ ۸۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت هزینه واخواســت و هزینه دادرســی به انضمام کلیه خسارات ناشی از تاخیر تادیه از تاریخ واخواســت لغایت اجــرای حکم و حق‌الوکاله وکیل طبق تعرفه معمول و صــدور حکم محکومیت تضامنی (منفردا و مجتمعا) خواندگان تقدیم دادگاه نموده که با عنایت به دادخواســت تقدیمی و مستندات ابرازی دادگاه با اعلام ختم رسیدگی با استعانت از خداوند متعال و تکیه بر شرف و وجدان به شرح ذیل مبادرت به صدور رای می‌نماید.

رأی دادگاه

در خصوص دادخواســت تقدیمی خواهان بانک توســعه تعاون با وکالت آقای علی کشــاورز قدیمی به طرفیت خواندگان ۱- شرکت تعاونی صنعت چوب کاج آوج با مدیریت آقای شعبان ســلطانی و خانم مهری محرابی ۲- شــعبان ســلطانی فرزند علی ۳- مهری محرابی فرزند نوروزعلی ۴- ســعید بلوری اردبیلی فرزند محمد ۵- اســماعیل عیسی‌خانی فرزند حسین ۶- قربانعلی سعادتی فرزند کریم به خواسته مطالبه ۴/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال وجه شش فقره سفته و مبلغ ۸۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت هزینه واخواســت و هزینه دادرسی به انضمام کلیه خسارات ناشــی از تاخیر تادیه از تاریخ واخواست لغایت اجرای حکم و حق‌الوکاله وکیل طبق تعرفه معمول و صدور حکم محکومیت تضامنی(منفردا و مجتمعا) خواندگان دادگاه وارد رســیدگی شــده و از توجه به مفاد دادخواست تقدیمی و شرح خواسته خواهان، منضمات از جمله تصویر مصدق ســفته‌ها که مربوط به خوانده ردیف اول با امضای مدیران مربوطه بوده و خواندگان ردیف دوم الی آخر ظهر آن را امضاء نمودند و اوراق مربوط به واخواست سفته‌ها که در تاریخ ۹۶/۴/۱۵ تحویل واحد ابلاغ دادگستری و ۹۴/۶/۲۹ مطابق با مقررات ابلاغ شده است و اینکه خواندگان علیرغم ابلاغ (تعدادی ارسال اخطاریه و نشر آگهی) در جلسه رسیدگی حضور نیافته و از این حیث ایراد یا دفاعی در قبال دعوی مطروحه به عمل نیاورده‌اند دادگاه خواسته خواهان را وارد تشــخیص و با استناد به مواد ۳۰۷، ۳۰۹ قانون تجارت و ۵۰۲، ۵۱۵، ۵۱۹، ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی حکم بر محکومیت خوانده ردیف اول به پرداخت مبلغ ۴/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به عنوان اصل خواســته و خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ ۹۴/۶/۲۹ لغایت اجرای حکم به نحوی که مطابق با شــاخص بانک مرکزی و در دایره اجرا حین‌الادا احتســاب خواهد گردید و ۸۴/۳۰۰/۰۰۰ ریــال به عنوان هزینه واخواســت و ۸۲/۸۰۰/۰۰۰ ریال حق‌الوکاله وکیل و ۱۴۹/۳۶۰/۰۰۰ ریــال هزینه دادرســی در حق خواهان صادر و اعلام مــی‌دارد الباقی هزینه واخواســت را بی‌دلیل تشــخیص حکم بر بی‌حقی صادر و اعلام می‌گردد. ولکن در خصوص الباقی خواندگان با عنایت به اینکه نامبردگان صرفا با قید هویت ظهر سفته‌ها را امضاء نمودند و هرچند وکیــل خواهان ادعای ضمانت را مطرح نموده لکن بــا توجه به اینکه صرف امضا دلالت بر ظهرنویسی داشته و ادعای خلاف می‌بایستی اثبات گردد که از ناحیه وکیل خواهان دلایلی جهت اثبات امر ضمانت ارائه نشده لذا مستند به مواد ۲۴۷ و ۲۷۴ قانون تجارت که در ماده اخیرالذکر دعوی را نسبت به ظهرنویس‌ها ظرف مهلت یک سال قابل طرح دانسته ماده ۲ قانون آئین دادرســی مدنی دادگاه خواسته خواهان را در این قسمت قابل استماع ندانسته و قرار رد دعوی را صادر و اعلام می‌دارد. رای صادره در بخش محکومیت غیابی و ظرف مهلت بیســت روز از تاریخ ابلاغ قابل واخواهی در همین شــعبه و پس از انقضای مهلت واخواهی و همچنین در خصوص قرار رد دعوی و حکم بر بی‌حقی که حضوری بوده ظرف مهلت بیســت روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر خواهی در دادگاه محترم تجدیدنظر استان قزوین می‌باشد.

تقوی- رئیس شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی آوج

شناســنامه مالکیت (برگ ســبز) خودروی سواری پراید ۱۳۱EX بــه رنــگ نقــره‌ای متالیک مــدل ۱۳۹۵ به شــماره انتظامی ۶۸۵ ب ۸۲ - ایران ۶۲ به شماره موتور ۵۵۲۵۵۶۲ و شماره شاسی NAS۴۱۱۱۰۰G۱۱۸۹۸۷۱ مربوط به آقــای علیرضا خیری مفقــود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی وقت رسیدگی

خواهان آقای سعید شاه‌دوستی دادخواستی به خواسته تقاضای صدور حکم به اثبات مالکیت نسبت به بیست درصد از پلاک ثبتی ۱۵۵۴ فرعی از ۲۹ به طرفیت آقای سردار راجندر پال ســینگ فرزند نانک مطرح که تحت کلاسه ۹۶۰۱۰۲ به شعبه دوم حقوقی عسلویه ارجاع و مقید به وقت رسیدگی به تاریخ ۱۳۹۶/۷/۲۴ ساعت ۱۰ صبح می‌باشد نظر به مجهول‌المکان بودن خوانده در روز و ساعت مقرر در جلسه حضور یابند همچنین می‌توانند تا قبل از وقت رسیدگی جهت دریافت دادخواست و ضمائم به دفتر شعبه مراجعه نمایند.

مدیردفتر شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان عسلویه- علی حیدری

آگهی فقدان سند مالک

آقای غلامرضا کرمی با تســلیم دو برگ استشهاد محلی که در دفتر اسناد رســمی شــماره ۴ ملایر گواهی گردیده مدعی است که سند مالکیــت ۶ دانگ پلاک ۹۵۱ فرعــی ۲۱۴۹ اصلی واقع در بخش ۱ ملایر ذیل ثبت ۱۵۴۳۵ صفحــه ۳۸۴ دفتر ۸۵ ثبت و صادر گردیده در اثر جابجایی مفقود شــده لذا به اســتناد تبصره الحاقی ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت مراتب اعلام تا در صورتی‌که کسی مدعی انجام معامله و یا وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد از تاریخ این آگهی به مدت ۱۰ روز اعتراض کتبی خود را به اداره ثبت اسناد و املاک ملایر اعلام نماید. در غیر این‌صورت پس از انقضاء مهلت مقرر نســبت به صدور ســند مالکیت المثنی اقدام و سند مالکیت اولیه از درجه اعتبار ساقط و باطل تلقی می‌گردد.

م الف ۱۴۸۰

محمدرضا امینی

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ملایر

آگهی حصر وراثت

بانو زینب شــهرت افراخته نــام پدر علی‌باز بشناســنامه ۵۴۰ صــادره از باغملک درخواســتی بخواســته صدور گواهی حصر وراثت تقدیم و توضیح داده که شادروان مرحوم مجید شــهرت افراخته بشناسنامه ۲۶۶۶ صادره آبادان در تاریخ ۱۳۹۶/۴/۱۲ در اهواز اقامتگاه دائمی خویش فوت ورثه‌اش عبارتند از:

۱- متقاضــی با مشــخصات فــوق (زوجه متوفــی) ۲. رضا افراخته بشــماره ملی ۱۷۴۴۱۱۴۹۶۱۵ صادره اهواز ۳. محمد افراخته بشــماره ملی ۱۷۴۷۱۷۷۰۶۷ صادره اهواز (فرزنــدان ذکور متوفی) ۴. زهرا افراخته بشــماره ملی ۱۷۴۳۳۵۰۵۱۱ صادره اهواز (فرزند اناث متوفی) ۵. فاطمه روشن‌روان بشناسنامه ۵۰۷ صادره باغملک (مادر متوفی) و لاغیر بشرح دادخواست تقدیمی کلاسه ۹۶۰۲۸۹/۸/۹۶ حقوقی می‌باشد. اینک با انجام تشــریفات قانونــی مراتب مزبور را در یک نوبــت آگهی می‌نماید تا هرکس اعتراض دارد یا وصیت‌نامه از متوفی نزد او باشــد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد و الا گواهی صادر و هر وصیت‌نامه بجز سری و رسمی که بعد از این تاریخ ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

قاضی شورای حل اختلاف مجتمع شماره دو اهواز – اسلامی

رونوشت آگهی حصر وراثت

خانم فاطمه افشــار دارای شماره ملی ۵۰۹۸۷۵۴۰۰۳ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۶۰۹۹۸۲۸۹۰۳۰۰۲۳۲ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شــادروان محمود محمدخانی به شماره ملی ۵۰۹۸۷۵۵۴۰۹ در تاریــخ ۱۳۹۴/۱/۲۹ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به:

۱- حسن محمدخانی دارای ش.ملی ۵۰۹۰۱۹۵۷۵۷ پسر متوفی ۲- اسماعیل محمدخانی دارای ش.ش ۹۹۴ پدر متوفی ۳- فاطمه افشــار دارای ش.ملی ۵۰۹۹۶۲۹۱۵۶ مادر متوفی ۴- فاطمه افشــار دارای ش.ملی ۵۰۹۸۷۵۴۰۰۳ همسر متوفی ۵- زهرا محمدخانی دارای ش.ملی ۵۰۹۰۲۷۱۳۰۵ دختر متوفی.

اینــک با انجام تشــریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یــک نوبت آگهی می‌نمایــد تا هر کســی اعتراضی دارد و یا وصیت‌نامه از متوفی نزد او باشــد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شــورا تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد.

قاضی شعبه خانواده شورای حل اختلاف شهر بوئین‌زهرا

برگ ســبز و کارت اتومبیل پراید ۱۳۲ به رنگ سفید مدل ۱۳۸۹ به شماره انتظامی ۴۳۵ ج ۳۳ ایران ۶۶ و شماره‌شاسی S۱۴۲۲۲۸۹۲۰۹۶۲۷ و شماره موتور ۳۷۸۸۹۰۸ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی افراز و تقسیم پلاک ۲۹۴۳ واقع در حسن‌آباد میبد بخش ۲۱ یزد

نظر به اینکه آقای سیدحسن موسوی بفرویی فرزند سیدهدایت مالک مشاعی از پلاک فوق می‌باشد و قصد افراز ســهم خود را دارند و اعلام می‌دارند مالک باقیمانده آقایان ۱- پرویز ۲- رســتم ۳- رشید ۴- داریوش ۵- مهرناز همگی بیابانی فرزند بهرام همگی مجهول‌المکان می‌باشــند لذا طبق قانون افراز و فروش املاک مشــاعی عملیات افراز و تقسیم سهم سیدحسن موســوی بفرویی خواهان افراز نامبرده در روز شــنبه مورخ ۹۶/۶/۱۱ ســاعت ۸ صبح در محل وقوع ملک انجام خواهد شد بنابراین از مالکین پلاک فوق دعوت می‌شــود تا در روز و ســاعت مقرر در محل حضور به هم رسانند بدیهی است عدم حضور خوانده مانع از انجام عملیات افراز نخواهد شد.

تاریخ انتشار: ۱۳۹۶/۶/۸

رئیس ثبت اسناد میبد - هادی بیکی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

نظر به اینکه در اجرای قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شــماره ۱۶۰۷-۱۳۹۶ مورخ ۹۶/۵/۱۰ تصرفات آقای / خانم احمد مزرعه شــماره شناسنامه ۱۹۹۱ صادره از اهواز فرزند عبدالعزیز دارای کد ملی شــماره ۱۷۵۷۴۱۰۴۳۰ نســبت به یک باب ساختمان به مساحت ۱۰۰ مترمربع در قســمتی از ششــدانگ پلاک ۲۶۹۰/۱۰ واقع در بخش ۲ اهواز اخبار خروجی به نام ســیدحبیب ابوخمیس موســوی منجر به صدور رای گردیده برابر ماده ۳ قانون مزبور مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز جهــت اطلاع عموم آگهی می‌گردد تا هر کس نســبت به تصرفات مفروزه و مالکیت ایشــان اعتراض داشــته باشد از تاریخ انتشار نوبت اول این آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را مستقیما به اداره ثبت اسناد و املاک اهواز تســلیم و رســید دریافت نمایند و معترض مکلف اســت ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواســت به مقامات قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواســت اخذ و به اداره ثبت محل تحویل نماید. بدیهی اســت درصــورت عدم وصول اعتراض در موعد مقرر اداره ثبــت برابر مقررات اقدام به صدور سند مالکیت خواهد نمود.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۶/۶/۸

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۶/۶/۲۵

معصومه عبدالحسین مزرعی

کفیل اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو اهواز

۵/۱۷۴۷ م/ الف

آگهی ابلاغ وقت دادرسی و دادخواست و ضمائم

به کلاسه پرونده: ۱/۹۶/۰۱۴۳ وقت رسیدگی: ۱۳۹۶/۷/۱۹ ساعت ۸/۳۰

خواهان: بانک قوامین خوانده: ابوالفضل بخشی اردیزی فرزند غلامحسین

خواسته: مطالبه چک

خواهان دادخواســتی تســلیم دادگاه‌های عمومی نموده که جهت رسیدگی به شعبه اول دادگاه حقوقی سبزوار واقع در خراســان رضوی شهرستان سبزوار - ابتدای بلوار شهرک توحید ارجاع گردیده و وقت رســیدگی برای مورخه ۱۳۹۶/۷/۱۹ ساعت ۸/۳۰ تعیین شده به علت مجهول‌المکان بودن خوانده به درخواست خواهان و دســتور دادگاه و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا خوانده از تاریخ نشر آخرین آگهی ظرف یک ماه به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت نماید. و در وقت مقرر بالا جهت رســیدگی حضور به هم رســاند چنانچه بعدا ابلاغی به وسیله آگهی لازم شود فقط یک نوبت منتشر و مدت آن ده روز خواهد بود.

مدیر دفتر شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی سبزوار – صالح‌آبادی

«آگهی حصر وراثت»

خانم حمیده عبدالمحمدی به شماره شناسنامه ۱۷۴۶۹ و شماره ملی ۱۶۹۸۶۴۴۷۱۱ و طی کلاسه پرونده ۹۶۰۳۱۳ درخواست گواهی حصر وراثت نموده توضیح داده مرحومه فاطمه برزگر عبدی به شــماره شناســنامه ۴۳۸ و شماره ملی ۱۶۹۹۲۸۰۰۷۱ صادره از آذرشهر به سال ۹۱/۱۲/۲۵ فوت نموده است و وراث حین‌الفوت وی عبارتند از:

۱- فریــده عبدالمحمدی بــه ش.ش ۱۷۴۶۹ و ش‌ملــی ۱۶۹۸۶۴۴۷۱۱ صادره از آذرشــهر به عنوان دختر متوفی. ۲- حاجیــه عبدالمحمدی به ش.ش ۱۹۵ و ش‌ملی ۱۶۹۹۳۸۰۳۱۷ صادره از آذرشــهر به عنوان دختــر متوفی. ۳- نیره عبدالمحمدی به ش.ش ۱۶۰۱۲ و ش‌ملی ۱۶۲۸۶۴۰۱۲۳ صادره از آذرشــهر به عنوان دختر متوفی. ۴- عزیــزه عبدالمحمدی بــه ش.ش ۱۴۱۹۵ و ش ملــی ۱۶۹۸۶۱۱۹۵۱ صادره از آذرشهر به عنوان دختر متوفی. ۵- فاطمه عبدالمحمدی به ش.ش ۱۵۳۶۲ و ش ملی ۱۶۹۸۶۲۳۶۲۳ صادره از آذرشهر به عنوان دختر متوفی.

لذا مراتب یک مرتبه آگهی می‌شود چنانچه اعتراض یا وصیت‌نامه‌ای از متوفی نزد کسی باشد ظرف مدت یک ماه پس از نشر آگهی به این شورا تقدیم والا حصر وراثت صادر خواهد شد.

قاضی شورای حل اختلاف

واحد چهار آذرشهر- حسن نجفی

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی و دادخواست و ضمائم

شــماره پرونده: ۹۶۰۵۰۵ خواهان: کبری بیرانوند فرزند کوچکعلی با وکالت خانم جلیل‌زاده خوانده: علی‌اکبر قبادی فرزند خداداد خواســته: صدور حکم طلاق وقت رســیدگی: ۹۶/۶/۲۷ ســاعت ۹/۳۰ جهت رسیدگی، معرفی داور و استماع شهادت شهود

خواهان دادخواســتی تسلیم دادگاه عمومی اندیمشک نموده که جهت رسیدگی به شعبه سوم حقوقی دادگاه اندیمشــک ارجاع و به کلاســه فوق ثبت گردیده که وقت رسیدگی برای آن تعیین شده علی‌ایحال به علت مجهول‌المکان بودن خوانده حسب درخواست خواهان و دستور دادگاه به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنــی مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشــار آگهی ظرف ۳۰ روز به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشــانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت رسیدگی تعیین شده در جلسه دادگاه حضور یابد و الا دادگاه تصمیم مقتضی را اتخاذ خواهد نمود.

مدیر دفتر شعبه سوم دادگاه حقوقی اندیمشک – محمدی‌کیا

برگ سبز و کارت مربوط به ماشین پژو PARS۵ به رنگ سفید مدل ۱۳۹۵ به شماره انتظامی ۲۹۳ط۶۱ ایران۸۸ و شماره شاســی NAAN۱۱FE۵GH۷۴۲۲۸۱ و شماره موتور ۱۶۴B۰۱۲۱۴۱۸ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی فقدان اسناد فروش

اینجانب غلامعلی مظهری فرزند حبیب‌الله شماره شناسنامه ۱۶ صادره از دامغان مالک خودرو وانت مزدا ۲۰۰۰ مدل ۱۳۸۱ به شــماره انتظامی ۶۹۴ج۳۷ ایران ۹۶ و شــماره موتور ۴۳۵۹۹۴ و شــماره شاســی ۸۱۲۰۰۰۲۳۰۹ به علت فقدان اسناد فروش (سند کمپانی) تقاضای رونوشــت المثنی اسناد مذکور را نموده‌ام. لذا چنانچه هرکسی ادعایی در مــورد خودروی مذکــور را دارد ظرف مدت ده (۱۰) روز به دفتر حقوقی گروه بهمن واقــع در تهران جاده مخصوص کرج مراجعه نماید. بدیهی اســت پس از مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم مهربی‌بی زنگ شــاهی باستناد دو برگ استشــهاد محلی که به امضاء شهود و به گواهی دفتر اسناد رسمی شــماره ۱۱ زاهدان رسیده مدعی است که سند مالکیت ۲۹۴۷۱۶- ســه دانگ مشاع از ششدانگ یک باب منزل پلاک ۱۶۹۷۸- اصلی واقع در بخش یک بلوچستان شهر زاهدان ذیل ثبت ۲۲۴۹۱ صفحه ۳۷ دفتر ۱۳۰ به علت جابه‌جایی از بین رفته درخواســت صدور سند مالکیت المثنی نموده لذا مراتب باستناد ماده ۱۲۰ آئین‌نامه ثبت در یک نوبت آگهی می‌شــود تا چنانچه کســی مدعی انجام معامله نســبت به ملک مرقوم یا وجود معامله سند مالکیت مذکور نزد خود می‌باشد از تاریخ نشــر این آگهی ظرف ۱۰ روز اعتراض خود را به ضمیمه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره اعلام و رسید دریافت نمایند مورد رسیدگی قرار گیرد والا پس از انقضای مدت مذکور و نرســیدن واخواهی و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نشود نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد.

تاریخ انتشار: ۱۳۹۶/۶/۸

شناسه: ۱۱۷۴۵۴۷

حسینعلی ملایی

رئیس ثبت اسناد و املاک زاهدان

م‌الف ۱۷۱۹

آگهی حصر وراثت

آقای عبدالکاظم شــهرت شهیب‌زاده نام پدر حســن به شناسنامه ۴۵ صادره از آبادان درخواســتی به خواســته صدور گواهــی حصر وراثت تقدیم و توضیح داده که شــادروان مرحوم حسن شهرت شهیب‌زاده به شناسنامه ۲۵۷۸۲ صادره آبادان در تاریخ ۱۳۹۶/۳/۳۱ در اهواز اقامتگاه دائمی فوت ورثه‌اش عبارتند از ۱- متقاضی عبدالکاظم شهیب‌زاده ش ش ۴۵ صادره آبادان ۲- ابراهیم شهیب‌زاده ش ش ۳۰۹۷ صادره آبادان ۳- جمعه شــهیب‌زاده ش ش ۳۰۹۶ صادره آبادان (پسران متوفی) ۴- حمیده شهیب‌زاده ش ش ۱۰۴۰ صادره آبادان ۵- بدریه شهیب‌زاده ش ش ۱۹۹۹ صادره آبادان ۶- نعیمه شهیب‌زاده ش ش ۵۲۲ صادره آبادان ۷- سعیده شهیب‌زاده ش ش ۱۲۱۲صادره آبادان ۸- ضاجیه شهیب‌زاده ش ش ۱۳۹۱ صادره آبادان (دختران متوفی)

اینک با انجام تشــریفات قانونی مراتب مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کس اعتراض دارد یا وصیت‌نامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشــر آگهی ظرف یک ماه به شــورا تقدیم دارد والا گواهی صادر و هر وصیت‌نامه بجز ســری و رسمی که بعد از این تاریخ ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

قاضی شورای حل اختلاف مجتمع شماره ۲ اهواز – اسلامی

«آگهی مزایده اموال غیرمنقول نوبت اول»

در پرونده کلاســه ۹۵۰۱۸۳ اجرای احکام مدنی دادگســتری شهرستان آوج در خصوص حکم صادره مبنی بر تقســیم و فروش ترکه مرحوم لطف‌الله کریمی واقع در شــهر آوج که مشــخصات دقیق آن به شرح ذیل بوده و توسط کارشناس محترم رسمی دادگستری ارزیابی گردیده است:

۱- یک دهنه مغازه قدیمی واقع در خیابان امام(ره) شــهر آوج جنب عکاســی سروش به مســاحت ۵۳ متر مربع به ارزش هشــتصد میلیون ریال ۲- یک قطعه باغ انگور رها شده موســوم به (کد باغی) واقع در جاده شــهیدآباد به ارزش دو میلیون ریال ۳- یک قطعه باغ بادام موســوم به کل واقع در مسیر جاده شهیدآباد به ارزش پنج میلیون ریال ۴- یک جنگل رها شــده واقع در پشت بهشت فاطمه موسوم به کلگلگ به ارزش هشت میلیون ریال ۵- یک قطعه جنگل رها شــده واقع در پشت زایشگاه موسوم به سیچان بلاغی به ارزش هشــت میلیون ریال ۶- وسایل مربوط و موجود در مغازه ردیف اول طبق فهرست ابرازی جمعا به مبلغ پنج میلیون ریال می‌باشد لذ این اجرا قصد دارد در روز دوشنبه بتاریخ ۱۳۹۶/۶/۲۷ ساعت ۱۰:۰۰ الی ۱۱:۳۰ در محل اجرای احکام مدنی دادگستری شهرستان آوج از طریق مزایده عمومی اموال فوق را به فروش برساند.

طالبین و خریداران می‌تواننــد همه روزه تا یک هفته قبل از زمان مزایده از ملک مذکور مورد مزایده با هماهنگی این اجراء بازدید و در زمان مزایده حضورا شرکت نمایند و خریدار می‌بایستی مبلغ ۱۰٪ پیشنهادی خود را نقدا پرداخت و مابقی را ظرف مدت یک ماه پس از تایید مزایده توســط دادگاه به حساب ســپرده دادگستری واریز نماید و در صورت عدم تایید مزایده توســط دادگاه محترم مبلغ ۱۰٪ واریزی به خریدار مســترد خواهد شد و در صورتی که خریدار مابقی وجه مزایده را در زمان مقرر به حســاب سپرده واریز ننماید و یا اعلام انصراف نماید ۱۰٪ پیشــنهادی خریدار به نفع دولت ضبط خواهد شد و خریدار حق هیچگونه اعتراضی را نخواهد داشــت و مراسم مزایده با رعایت مواد قانون اجرای احکام مدنی اجرا خواهد شد.

الله‌دادی – متصدی امور دفتری اجرای احکام مدنی دادگستری شهرستان آوج

دادنامه

شماره دادنامه: ۹۶۰۹۹۷۶۱۱۰۵۰۰۳۲۱
شماره پرونده: ۹۴۰۹۹۸۶۱۱۰۵۰۰۸۸۹
شماره بایگانی شعبه: ۹۴۰۹۲۷

پرونده کلاسه ۹۴۰۹۹۸۶۱۱۰۵۰۰۸۸۹ شعبه ۲ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان اهواز تصمیم نهایی شماره ۹۶۰۹۹۷۶۱۱۰۵۰۰۳۲۱

خواهان: خانم زیبا مالکی شــیخ‌آبادی فرزند یداله با وکالت آقای ســیدعلی غرابی فرزند هاشم به نشــانی استان خوزستان- شهرســتان اهواز- اهواز- کیانپارس- خیابان شهید چمران- بین خیابان ۱ و ۲ غربی- پلاک ۲۰۲

خوانــدگان: ۱- خانم هما ارزانی ۲- خانم ندا شــیرعلی‌پور ۳- خانم شــادی شــیرعلی‌پور ۴- خانم تینا شــیرعلی‌پور ۵- آقای ابراهیم شیرعلی‌پور ۶- خانم شیلا شیرعلی‌پور ۷- آقای اسحق شــیرعلی‌پور همگی به نشانی استان خوزستان- شهرســتان اهواز- اهواز- شهرک قائم- منازل ملی حفاری- خ کاج- پ ۵۱۲۶، ۸- آقای بهروز خلیلی فرزند یداله به نشانی استان خوزستان- شهرستان اهواز- اهواز- زیتون کارمندی- خ زهره- پ۸۹

خواسته: الزام به تنظیم سند رسمی ملک

رأی دادگاه

درخصوص دعوی خواهان به نام خانم زیبا مالکی شــیخ‌آبادی فرزنــد یداله با وکالت آقای ســیدعلی غرابی وکیل رسمی دادگستری به طرفیت آقایان و خانم‌ها بهروز خلیلی، اسحق، شــیلا، تینا، ندا، شادی، ابراهیم شهرت همگی شــیرعلی‌پور و خانم هما ارزانی به خواسته الــزام خواندگان به حضور در دفترخانه و تنظیم ســند و انتقال رســمی شــش دانگ یک واحد آپارتمان به شــماره پلاک ثبتی ۸۹۲/۱۰۳۴۸ بخش ۷ اهواز به انضمام کلیه خسارات دادرســی بدین شــرح که خواهان مدعی گردید به موجب مبایعه‌نامه عادی شماره ۴۱۸۳۶ مورخ ۱۳۸۴/۸/۱۳ یک واحد آپارتمانی پلاک فوق‌الذکر را با ثمن معین از آقای بهروز خلیلی خریــداری نمود. خوانده مذکور به موجب قــرارداد عادی مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۱۶ که با خوانده ردیف دوم بنام اسحق شیرعلی‌پور منعقد نموده بود مالک رقبه مذکور گردید خواهان مدعی اســت که مالکین رســمی رقبه مذکور مجهول‌المکان می‌باشــند و امکان دسترسی به آنها جهت انتقال مقدور نمی‌باشــد. با وصف ابلاغ خواندگان در جلســه رسیدگی حضور نیافته لایحه‌ای ارائه نداده و دلیلی که ناقض ادعای خواهان باشــد ارائه ننمودند به موجب جوابیه واصله از اداره ثبت اســناد و املاک به شــماره ۴۲۴۶۷ مورخ ۱۳۹۵/۸/۲۳ معلوم گردید که رقبــه موضوع دعوی قبل از افراز اراضی در پــلاک ثبتی ۸۹۲/۲۲۱۲ بدواً در مالکیت آقای اسحق شیرعلی‌پور بوده است ســپس نامبرده مقدار شش سهم مشاع از مقسم هشت سهم شــش دانگ ملک مذکور را به خواندگان ردیف ســوم الی هشتم انتقال داده پس از تفکیک مجتمع مسکونی احداثی در پلاک مذکور پلاک‌های ۸۹۲/۱۰۳۴۸ الی ۸۹۲/۱۰۳۵۱ مفروزه (۸۹۲/۲۲۱۲ باقــی مانده به واحدی مفــروزه اختصاص یافت و به موجــب جوابیه مذکور واحدهای مفروزه کماکان در مالکیت، مالکین اولیه می‌باشــد. خواهان مدعی است که آقای اســحق شیرعلی‌پور با اســتفاده از وکالتنامه رسمی شــماره ۱۸۶۸۵۱ مورخ ۱۳۸۱/۷/۲۷ تنظیمی دفترخانه اسناد رسمی ۲ اهواز و مبایعه‌نامه فوق‌الذکر نسبت به انتقال رقبه موضوع دعوی از طرف خود و ســایر شرکاء (مالکین مشــاع) بنام بهروز خلیلی اقدام نمود. که فرد اخیــر به نوبه خود ملک مورد ترافع را بــه خواهان به موجب مبایعه‌نامه ابرازی معامله نمود علی ایحال با توجه به تسلســل قانونی مســتندات ابرازی (مبایعه‌نامه‌هــا وکالتنامه) و نظر بــه اینکه به موجب جوابیه واصلــه از اداره ثبت ملک مذکور کماکان بــه نام مالکین اولیه (خواندگان) می‌باشــد و توجهاً به اینکه خواندگان نســبت به اصالت مستندات ابرازی اظهار تردید یا انکار ننموده‌اند و با عنایت به اصول صحت و لزوم در قراردادها دادگاه دعوی خواهان را وارد و تشــخیص داده مســتنداً به مواد ۱۰، ۲۱۹، ۱۲۵۷ قانون مدنی و مواد ۱۹۸، ۵۱۵، ۵۱۹ قانون آیین دادرســی مدنی حکم بر محکومیت خوانده به انتقال رسمی و قطعی رقبه پلاک ثبتی ۸۹۲/۱۰۳۴۸ بخش ۷ اهواز بنام خواهان و همچنین الزام نامبردگان به پرداخت خسارت دادرسی شامل هزینه دادرسی و حق‌الوکاله وکیل وفق تعرفه قانونی از باب تسبیب در طرح دعوی در حق خواهان صادر و اعلام می‌گردد رأی صادره غیابی اســت ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این دادگاه سپس ظرف مدت بیست روز دیگر قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان خوزستان می‌باشد.

رئیس شعبه دوم دادگاه حقوقی اهواز- سید شجاع‌الدین موالی‌زاده

نشانی: استان خوزستان- شهرستان اهواز- انتهای عامری- اول نیوساید- مجتمع قضایی شهید تندگویان (انرژی)